

جایگاه «سلام» در تعاملات اجتماعی از منظر قرآن و احادیث

غلام مهدی*

محمد نظیر عرفانی**

چکیده

سلام به عنوان تحیتی اسلامی و نماد صلح، امنیت و محبت، نقشی اساسی در روابط فردی و اجتماعی از منظر قرآن و روایات دارد. هدف این مقاله، بررسی مفهوم، اهمیت، کارکردها و احکام سلام در فرهنگ اسلامی با تأکید بر منابع دینی است تا جایگاه آن به عنوان یک اصل ارتباطی و اخلاقی بازنموده شود. این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های مقاله با مراجعه به قرآن کریم، تفاسیر معتبر، جوامع حدیثی فریقین و متون فقهی گردآوری و پس از دسته‌بندی موضوعی، تحلیل محتوایی شده است. یافته‌ها و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سلام در لغت به معنای سلامت، امنیت و صلح است و در قرآن از آن به عنوان تحیت مبارک و پاکیزه یاد شده است. بر اساس آیات و روایات، سلام مستحب مؤکد بوده و پاسخ به آن واجب فوری است. پیشی گرفتن در سلام نشانه ایمان، تواضع و نزدیکی به خداوند است. کارکردهای اجتماعی سلام عبارت است از: ایجاد امنیت، تقویت محبت و دوستی، زمینه‌سازی برای همکاری، اطمینان بخشی در روابط، کاهش کبر و خودخواهی و نزول رحمت و برکت در خانه. از نظر فقهی، سلام به مسلمان واجب الاجابت، و در مواردی چون نماز، سلام به نامحرم جوان، یا سلام به کافر و اهل کتاب، دارای احکام خاصی است. نتیجه آنکه سلام نه تنها یک عمل عبادی، بلکه یک پیمان اجتماعی است که رعایت آن، سرمایه اجتماعی جامعه دینی را افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی: سلام، تحیت، درود، قرآن، احادیث، احکام سلام، کارکرد سلام

* دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و اصول، جامعه المصطفی العالمیه، (نویسنده مسئول)

m09196495199@gmail.com

** استادیار جامعه المصطفی العالمیه، mna8181@yahoo.com

مقدمه

سلام، به مثابه یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های ارتباطی در فرهنگ اسلامی، فراتر از یک رفتار عرفی صرف، دارای بار معنایی عمیق و کارکردهای فردی، اجتماعی و معنوی است. این واژه که ریشه در مفهوم سلامت، امنیت و صلح دارد (فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۲۶۵)، در قرآن کریم به عنوان تحیتی مبارک و پاکیزه از جانب خداوند معرفی شده است (نور، ۶۱). پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به مفهوم‌شناسی، جایگاه، احکام و کارکردهای اجتماعی سلام در قرآن و روایات معصومین (ع) می‌پردازد.

در اندیشه اسلامی، سلام نه تنها نشانه ایمان و تواضع فردی است، بلکه نقشی کلیدی در ایجاد امنیت روانی، تحکیم پیوندهای اجتماعی و گسترش مهرورزی ایفا می‌کند. از نگاه فقهی، سلام کردن عملی مستحب مؤکد و پاسخ به آن واجب فوری شمرده شده است (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۰۶). همچنین، احادیث گوناگون بر پیشی گرفتن در سلام، افشای آن در محافل، و حتی سلام به کودکان و بردگان تأکید دارند که خود گویای نفی تبعیض‌های طبقاتی در روابط انسانی است. با وجود این جایگاه رفیع، در جوامع معاصر اسلامی به‌ویژه به دلیل تغییر سبک زندگی، شهرنشینی و کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره، سنت حسنه سلام رو به افول نهاده است. از این رو، بازخوانی دقیق متون دینی در این زمینه، می‌تواند راهگشای اصلاح الگوهای رفتاری و بازسازی سرمایه اجتماعی بر پایه اخلاق اسلامی باشد. این تحقیق درصدد است تا با استناد به آیات، روایات و منابع معتبر فقهی، ابعاد مغفول‌مانده این سنت الهی را روشن سازد.

۱. ادبیات نظری تحقیق

۱-۱. مفهوم‌شناسی سلام

سلام در لغت به معنای سلامتی، امنیت و صلح است (فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۲۶۵) که در فارسی به درود ترجمه شده است. در اسلام، لفظ «سلام» برای تحیت انتخاب شده است؛ زیرا به معنای دعا برای سلامتی از آفت‌های جسمی و دینی است؛ همچنین

سلام کردن مسلمانان به یکدیگر به منزله عهدی بین آنان برای حفاظت از جان و مال و آبروی آنان است. (عبدالمنعم، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، ج ۲، ص ۲۸۴) قرآن کریم نیز سلام کردن را تحیتی پربرکت و پاکیزه از جانب خداوند بر مؤمنان می‌داند: «فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ» (نور/ ۶۱)

در نظر معروف میان فقها می‌توان با هر یک از چهار عبارت «سلامٌ علیکم»، «السَّلامُ علیکم»، «سلامٌ علیکم» و «السَّلام علیکم» سلام را آغاز کرد. در این میان برخی از علماء تنها چهار ترکیب بالا را برای شروع سلام معتبر دانسته‌اند (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۰۳) ولی در مقابل، برخی گفته‌اند که سلام کردن با هر عبارتی که عنوان تحیت و سلام بر آن صادق است، تحقق می‌یابد؛ خواه با ترکیب «سلام علیکم» باشد یا «علیکم السَّلام» و یا حتی «سلام» به تنهایی. (حلی، مختلف الشیعة، ج ۲، ص ۲۰۴)

۲-۱. اهمیت سلام

یکی از روشهای خاص پیامبر (ص) و سیره رفتاری ایشان این بود که بدون تبعیض به هر کس که می‌رسیدند حتی کودکان، ابتدا ایشان سلام می‌کردند بعد احوال‌پرسی می‌نمودند، و در اهمیت این سیره زیبا همین بس که پیامبر خدا فرمود: «مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلامِ فَلَا تُجِيبُوهُ، اگر کسی پیش از سلام، سخن گفتن را آغاز کند جوابش ندهید.» (قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۴۵)

و در روایت دیگری از ایشان است که می‌فرمایند: «لَا يَسْتَكْمِلُ الْعَبْدُ الْإِيْمَانَ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: الْإِنْفَاقُ مِنْ اقْتَارٍ وَالْإِنْصَارُ مِنْ نَفْسِهِ وَبَذْلُ السَّلامِ (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۵)؛ ایمان بنده کامل نیست مگر اینکه سه صفت در او باشد: در تنگدستی انفاق کند و به زیان خویش دادگری کند و سلام خویش از دیگران دریغ نکند»

قرآن سلام را تحیت بهشتیان دانسته و به آن امر کرده است. (نور/ ۶۱) در روایات نیز سلام از سنت‌های رسول خدا (ص) و از مستحبات مؤکد شمرده شده است. در روایتی از پیامبر (ص) آمده است: «مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلامِ فَلَا تُجِيبُوهُ؛ به کسی که بدون ادای سلام، لب به سخن گشود، جواب ندهید.» (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۵۹)

۳-۱. سلام، تحیت اسلامی

اسلام که خود دین صلح و آشتی و محبت و مودت بوده و همیشه پیروان خود را به این امر مهم دعوت کرده، طرز برخورد با اشخاص را به بهترین وجه بیان کرده و روشن ساخته است که جایگاه تحیت در اسلام چیست و چه کسانی باید آغازگر این مهم باشند؟ و آیا مانند زمان جاهلیت (جاهلیت قرون وسطائی یا عصر ارتباطاتی)، باید همیشه ضعفا و کوچکترها و بی پولها و... به بزرگان و قدرتمندان و پولداران و صاحبان اسم و رسم احترام بکنند، یا اسلام در این مورد تعریف دیگری دارد؟

برخلاف آداب و رسوم اکثر مردم جهان در گذشته و حال که احترامشان بر همدیگر، بیشتر احترام و تحیت ارباب و رعیتی یا نوکر و آقائی و یا شاه و گدائی می باشد، تحیت و احترام در ادیان الهی بالاخص اسلام، در سطح عالی روحی و روانی و روانشناسی طراحی شده و حاکی از سلامت و ایجاد آرامش و امنیت می باشد. چرا که دستور اسلام هنگام ملاقات و برخورد انسان ها با همنوعان خود، لفظ «تحیت» و «سلام» است. وقتی کسی به دیگری سلام می کند، در واقع به طرف مقابل می فهماند که از طرف من در امانی و یا خدا تو را از تمام بلیات و زشتی ها حفظ کند و آرزوی سلامت تو را دارم و زنده باشی.

راستی غیر از اسلام در کدام مکتب اعم از مادی و معنوی دیده شده که احترام انسانها هنگام برخورد با یکدیگر تا این اندازه با الفاظ لطیف و روح بخش و محبت آمیز و مایه صلح و دوستی آغاز شده باشد؟ اسلام در این مورد آنقدر پیش می رود که اگر کسی بدون این که سلام بگوید، شروع به سخن گفتن کند، جواب ندهید؛ چنان که پیشوای اسلام می فرماید: «فَمَنْ بَدَأَ بِالْكَلَامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُجِيبُوهُ»؛ هر کس پیش از سلام، سخن گفتن آغاز نماید، پاسخ ندهید. (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۹)

همچنین فرمود: نزدیکترین مردم به خدا و پیامبر کسی است که سخن خود را با سلام شروع نماید: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ مَنْ بَدَأَ بِالسَّلَامِ»؛ (مجلسی، بحار الأنوار،

ج ۷۶، ص ۱۲) «نزدیک‌ترین مردم به خدا و پیامبرش، کسی است که سخن خود را با سلام آغاز نماید».

باز نقل شده است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به انس فرمود: «یا انس سَلِّمْ عَلٰی مَنْ لَقِيتَ یَزِیدُ اللّٰهَ فِیْ حَسَنَاتِکَ وَ سَلِّمْ فِیْ بَیْتِکَ یَزِیدُ اللّٰهَ فِیْ بَرَکَتِکَ». (همان، ص ۳) «ای انس هر کس را ملاقات کردی سلام کن که خدا بر حسنات تو می‌افزاید و (هروقت) به خانه خود وارد شدی سلام کن که خدا برکت خانه‌ات را زیاد می‌کند».

چنان که از فرمایش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله استفاده می‌شود، باید به همه سلام کرد مگر جاهائی که استثناء شده است. رهبر بزرگ اسلام، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به همه سلام می‌کرد حتی به کودکان و بردگان، و در سلام کردن سبقت می‌جست به طوری که اگر کسی می‌خواست پیشدستی کند و به پیامبر زودتر از آن حضرت سلام دهد، مشکل بود.

حتی انسان هنگام ورود به خانه خود هم بهتر است سلام کند. در مقابل، توصیه شده است که جواب سلام را به بهتر از الفاظی که طرف سلام کرده یا حداقل مثل آن لفظ بدهد. چنان که در سوره نساء می‌خوانیم: وَإِذَا حُیِّیْتُمْ بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوْا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا... (نساء/ ۸۶)؛ هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید؛ یا (لااقل) به همان گونه پاسخ گویند....

آیه فوق، گرچه معنی وسیعی دارد اما یک مصداق روشن آن سلام کردن است. بنابر طبق این آیه، همه مسلمانان موظفند که سلام را به طور عالیت‌ر و یا لااقل مساوی جواب گویند چرا که سلام کردن مستحب و جواب آن واجب است.

۲. سلام در قرآن و احادیث

۲-۱. سلام در قرآن

سلام، مقدمه آغاز ارتباط، برای آشنائی که با مصافحه (دست فشردن و...) انجام می‌پذیرد یک ارتباط سطحی ابتدائی به یک ارتباط عمیق و با دوام تبدیل می‌شود.

همان‌طور که می‌دانیم کلمه مبارک «سلام» یکی از نام‌های مبارک حضرت باری تعالی عزوجل‌الاعلی است از عبدالله بن مسعود روایت است که پیامبر عظیم الشان (ص) فرمود: «السلام اسم من اسماء الله فافشوه» (کاشانی، منهج الصادقین، ج ۶، ص ۳۴۷) و پیامبر افشاء آن فرمان داده است. (فافشوه) یعنی موقع ملاقات هم دیگر سلام کنید. در آیات مختلف قرآن بکار رفته، برای نمونه و اختصار چند آیات را ذکر می‌کنیم.

۱- «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها (نساء/ ۸۶)؛ هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر بدهید؛ یا (لا اقل) به همان‌گونه پاسخ گوید.»

تحیت در لغت از ماده حیات گرفته شده و به معنای دعا برای حیا و زندگی کردن دیگران و سلام است و در بعضی از آیات قرآن به معنای مبارک و پاکیزه و طیب نیز تفسیر شده است. (قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ج ۲، ص ۵۵۵)

تحیت به هر طوری و به کلمه از کلمات که باشد نظیر (سلام علیکم) یا حیاک الله و یا به هر صورتی که محبت و الفت را برساند میسر است و بهترین نوعش که در آیات و روایات آمده‌اند و سیره و روش فقها و علمای گذشته و فعلی است. همان سلام علیکم) و درود و تحیت بهشتیان هم (سلام علیکم) است. (ارگانی، سلام در اسلام، ج ۱، ص ۱۶۸)

در این آیه مبارکه خداوند مسلمین را فرمان داده به بهتر جواب دادن سلام نسبت به سلامی که مؤمنی کند، وَاَلَا و کلمه (علیکم) می‌تواند اکتفا نماید. بنابراین فرمایش خدای سبحان به جمله (باحسن منها) مخصوص مسلمین است و (اوردوها) یعنی عیناً جواب دهید - مخصوص اهل کتاب - یهود و نصاری - خواهد بود. (فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۵۵) به طوری که از وجود مقدس خاتم انبیاء محمد (ص) روایت شده که فرمود: زمانی که اهل کتاب به شما سلام نمایند در جواب‌شان فقط (علیکم) بگویند. (طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۳۰)

از امام باقر و امام صادق «علیها السلام» نقل شده: مقصود از تحیت در این کریمه مذکور سلام و غیر سلام از خوبی‌ها و نیکی‌ها است. (قمی، تفسیر قمی، ج ۳، ص ۱۳۰)

۲- «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا ... (نساء/ ۹۴)؛ به افرادی که به شما



سلام می‌کنند - یا اینکه اسلام و تسلیم بودنشان را اظهار می‌نمایند- نگوئید که مؤمن نیستید. (و به بهانه نسبت کفر به آنها ندهید) تا بهره برید از زندگی افراد «مادی» دنیا «که جان و مالش را حلال بدانید»

در این آیه شریفه نیز «سلام» را به معنای تحیت گرفته‌اند گرچه آیه‌شان نزولی دارد براینکه پیامبر بزرگوار بعد از مراجعت از جنگ خیبر، اسامه بن زید را با جمعی از مسلمانان به طرف یهودیانی که در قریه فدک زندگی می‌کرد فرستاد تا آنان را به اسلام دعوت کنند... (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۱)

۳- «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ... (انعام/ ۵۴)؛ و چون گروه مؤمنان نزد تو آیند... (ای رسول ما) بگو سلام و تحیت بر شما باد! »

«... وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ...» (یونس/ ۱۰) گفتار آنها (بهشتیان) در بهشت این است که: خداوند، منزهی تو! و تحیت آنها در آنجا سلام است

«وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ...» (هود/ ۶۹) فرستادگان ما (=فرشتگان) برای ابراهیم بشارت آوردند، گفتند: سلام! (او نیز) گفت: سلام.

«وَتَبَيَّنَهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ - إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا...» (حجر/ ۵۱-۵۲) و به آنها (مردم) از مهمان های ابراهیم خبر ده! هنگامی که بر او وارد شدند، گفتند: سلام.

«... يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل/ ۳۲) همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند؛ به آنها می‌گویند: سلام بر شما! وارد بهشت شوید.

«قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا» (مریم/ ۴۷) ابراهیم (به پدرش) گفت: سلام بر تو! من بزودی از پروردگارم برایت تقاضای عفو می‌کنم....

«لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا...» (مریم/ ۶۲) (بهشتیان) در آنجا هرگز گفتار لغو و بیهوده‌ای نمی‌شنوند؛ و جز سلام در آنجا سخنی نیست....

«... فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ...» (نور/ ۶۱) ... و هنگامی که داخل خانه‌ای شدید بر خویشان سلام کنید، سلام و تحیتی از سوی خداوند،

سلامی پربرکت و پاکیزه!

«... وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان/۶۳) ... و هنگامی که جاهلان آنها (عباد الرحمن) را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).

«أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيَلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (فرقان/۷۵) آری آنها هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان پاداش داده می‌شود و در آن با تحیت و سلام روبرو می‌شوند.

«تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ...» (احزاب/۴۴) تحیت آنان (مؤمنان) در روزی که او (خدا) را دیدار می‌کنند، سلام است؛ ... و برای آنها پاداش پرارزشی فراهم ساخته است. «إِلَّا قِيلاً سَلَامًا سَلَامًا» (واقعه/۲۶) تنها چیزی که (بهشتیان) می‌شنوند، سلام است. از این آیات استفاده می‌شود که سلام، نه تنها تحیت و هدیه و شعار مؤمنان و خوبان در دنیا می‌باشد، بلکه تحیت و هدیه اهل بهشت هم می‌باشد. گرچه متأسفانه در جامعه اسلامی ما بعضی‌ها آن را به فراموشی سپرده‌اند.

۲-۲. سلام در احادیث پیامبر (ص)

در سیره پیامبر گرامی اسلام «ص» آمده است حضرت در ادای سلام هیچ‌وقت تبعیض قائل نمی‌شد چه فقیر، چه اسیر، حضرت به هرکس می‌رسید فوراً سلام می‌کرد و براساس روایت، کسی نمی‌تواند در سلام کردن با حضرت سبقت بگیرد و نتوانست هیچ‌کس در عمر مبارک حضرت بر سلام کردن سبقت بگیرد.

در یک روایت نورانی می‌فرماید (وِیْسَلَمُ عَلٰی مَنْ اسْتَقْبَلَهُ مِنْ غَنٰی وَ فَقِیْرٍ، وَ کَبِیْرٍ وَ صَغِیْرٍ) (طباطبایی، سنن النبی، ص ۴۱)

پیامبر اکرم (ص) به هر کس می‌رسید، چه توانگر، چه درویش و فقیر و چه کودک و بزرگ سلام می‌کرد.

براساس قرآن و سنت نبوی مستحب است جواب کسی که سلام می‌کند بهتر از سلام او باشد. «وَإِذَا حُیِّیْتُمْ بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوْا بِأَحْسَنَ مِنْهَا» (نساء / ۸۶)

این امر خداپسند سبب می شود ارتباط دو طرف دوست داشتنی و صمیمی و راه ارتباط هموار شود و افراد زیادی را بسوی خود جلب کند. در سیره مبارک خاتم الانبیاء «ص» آمده است که هرگاه یکی از مسلمانان بر حضرت خاتم «ص» سلام می کرد و می گفت: «سلام علیک» حضرت در جواب سلام را اینگونه می داد: (و علیک السلام و رحمة الله) آن گاه حضرت در پاسخ می فرمود: (علیک السلام و رحمة الله و برکاته) (طباطبایی، سنن النبی، ص ۱۳۶)

خود آن حضرت در جای دیگر می فرماید: (ثلاث یصفین لک مدّ اخیک تُسلمَ علیه اذ القینّه و توسع له فی المجلس و تدعوه باحب اسمائه الیه) (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۴۵۲) سه چیز محبت دوست را برای خاص می کند: او را می بینی سلامش کنی و چون به مجلسی می آید، جایی برایش باز کنی و چون نامش را می بری، به نام های خویش صدا می کنی.

همان طور که در این فرمایش پیامبر «ص» می بینیم، یکی از اسباب افزایش محبت و دوستی سلام کردن به طرف است.

در حدیث نبی مکرم اسلام «ص» برای سبقت گرفتن در سلام سفارش زیاد و اکید شده است که آن حضرت «ص» فرمود: سزاوارترین مردم به خدا و رسول خدا «ص» کسی است که با سلام بر دیگران سبقت گیرد.

رسول الله «ص»: «ان اولی الناس بالله و برسوله من بدأ بالسلام». (ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ح ۸۸۴۶)

همانطور که پیامبر خدا «ص» برای سبقت در سلام سفارش نموده اند در آشکارا گفتن سلام نیز معصومین تأکید نموده اند در این باب امام صادق (ع) از پدرش نقل می کند که پیامبر «ص» بر هفت چیز فرمان داد که یکی از آنها آشکارا سلام دادن است. (حمیری قمی، قرب الاسناد، ص ۳۸۰) و همچنین سلام به عنوان یکی از نشانه های آدم متواضع آمده و ثواب بیشتری برای سلام کننده در نظر گرفته شده است. (ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵،

ح ۸۸۴۸) و هرکه آغازگر سلام باشد، از تکبیر دور است (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۵۱) و افشاء سلام و (پیشی گرفتن در سلام) باعث دوستی یکدیگر می شوند. (همان)

۲-۳. سلام در احادیث ائمه (ع)

امام علی (ع):

«السَّلَامُ سَبْعُونَ حَسَنَةً تِسْعَةٌ وَسِتُّونَ لِلْمُبْتَدِي وَوَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ»؛ (مجلسی، بحار الانوار، ۷۳، ص ۱۲) سلام نمودن هفتاد ثواب و حسنه دارد که شصت و نه تای آن برای آغازگر و یکی برای پاسخ دهنده است.»

همچنین حضرت می فرمایند: «عَوِّذْ لِسَانَكَ لِيَنَّ الْكَلَامَ وَبَذَلِ السَّلَامَ، يَكْثُرُ مُحِبُّوكَ وَ يَقِلُّ مُبْغَضُوكَ»؛ (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص ۴۳۵) زبان خویش را به نرم گفتن و سلام نمودن عادت بده تا دوست دارانت (دوستان تو) فراوان و دشمنان تو کم گردند.» و از فرمایشات ایشان است: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ مَنْزِلَهُ فَلْيَسَلِّمْ عَلَى أَهْلِهِ، يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلٌ فَلْيَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا»؛ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۴) هر زمان که یکی از شما به خانه خود وارد شد بر اهل و خانواده خود سلام کند و بگوید: درود و تهیت بر شما. و اگر که کسی در خانه نبود عرض کند: سلام بر ما از سوی پروردگارمان.»

امام حسین (ع):

«قَالَ لَهُ (الْحُسَيْنُ) عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَجُلٌ ابْتِدَاءً: كَيْفَ أَنْتَ عَافَاكَ اللَّهُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ عَافَاكَ اللَّهُ، ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَأْذَنُوا لِأَحَدٍ حَتَّى يَسَلِّمْ»؛ (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۶) مردی به امام حسین علیه السلام عرض کرد: چطورید؟ خدا شما را عافیت دهد. حضرت (ع) فرمودند: نخست سلام سپس سخن، خداوند به تو عافیت دهد، سپس فرمودند: تا شخصی سلام ندهد اجازه ورود (یا حرف زدن) را ندهید.»

امام محمد باقر (ع):

«إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ إِطْعَامَ الطَّعَامِ، وَ إِفْشَاءَ السَّلَامِ»؛ (برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۱۴۳) همانا خداوند اطعام نمودن مردم و به همه سلام کردن را دوست می دارد.»



همچنین از ایشان نقل شده است که : «إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَالْقَوْمُ يُصَلُّونَ فَلَا تُسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ أَقْبِلْ عَلَى صَلَاتِكَ ، وَإِذَا دَخَلْتَ عَلَى قَوْمٍ جُلُوسٍ يَتَحَدَّثُونَ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ ؛ (مجلسی ، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۸) اگر که به مسجد داخل شدی و مردم در حال نماز بودند به آنان سلام نکن، بلکه به رسول الله (ص) سلام نما سپس نماز بخوان، و هر زمان که بر گروهی که نشسته‌اند و در حال صحبت هستند وارد گشتی، سلام ده.»

امام جعفر صادق (ع):

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَ يَرُدُّنَّ عَلَيْهِ، وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ ، وَ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَسَلِّمَ عَلَى الشَّابَّةِ مِنْهُنَّ، وَ يَقُولُ : أَتَخَوَّفُ أَنْ يَعِجِبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرُ مِمَّا طَلَبْتُ مِنَ الْأَجْرِ ؛ (كلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۵) پیامبر (ص) بر زنان سلام می‌کرد و آنان نیز به ایشان پاسخ می‌دادند و امام علی (ع) نیز به زنان سلام می‌داد و آن‌ها نیز پاسخ ایشان را می‌دادند ولی از سلام به بانوان جوان کراهت داشت و می‌فرمود: از این می‌ترسم که از صدای آنان خوشم آید و در نتیجه به دل من چیزی وارد شود که به ثواب آن نیارزد.»

۳. فوائد و ویژگیهای سلام

سلام تحفه و هدیه الهی برادران باایمان است؛ مفضل از حضرت امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: همانا مؤمن برادرش را هدیه می‌دهد. عرض کردم: چه چیز تحفه و هدیه است؟ فرمود: جادادیشان در مجالس و تکیه گذاشتن به احترامشان و به آنها غذا خوراندن و لباس پوشانیدن و سلام نمودن که نتیجه و پاداش آنها بهشت است. از آیات کریمه قرآن کریم و احادیث نورانی معصومین (ع) خواص و فوائد بسیاری برای سلام می‌یابیم، به چند نمونه بر حسب مجال این مقاله از این فوائد از زوایای مختلف ذیلاً اشاره می‌کنیم.

۱-۳. امنیت از آفات

سلام کردن مسلمین به هم‌دیگر به معنای خواستار امان و امنیت از آفات (بلا) و خطرها است و لذا سلام و تحیت مخصوص به دین مبین اسلام و مسلمانان است به دلیل آیه مبارکه (ارگانی، سلام در اسلام، ج ۱ ص ۳۷۷): « تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا (احزاب/ ۴۴)؛ تحیت و دورد (خدا) بر آنان در روزی که با او دیدار کند (در قیامت و....) سلام و برای آنها پاداش گرامی و پر ارزش آماده نموده است. »

۲-۳. سلام ضامن محبت و دوستی

سرور کائنات محمد مصطفی «ص» فرمود: سه چیز است که محبت و دوستی و برادری را محکم‌تر و هموارتر می‌نماید:

۱) سلام به دیگران و دیدار و ملاقات

۲) جا دادن به یکدیگر در مجالس و محافل

۳) دیگران را نامی که دوست دارند صدا زدن

و در روایت دیگر آمده: (مریض را) در مریضی عیادت نمودن. (ارگانی، سلام در اسلام،

ج ۱، ص ۳۷۸)

۳-۳. سلام و طول عمر

همان‌طور که می‌دانیم سلام ویژگی‌های زیادی دارد از جمله، خیر و برکت در خانه و طول عمر تأیید و امضای این نکته روایتی است که پیامبر خدا «ص» به انس بن مالک تعلیم کرد، که او می‌گوید: روزی بر دست مبارک پیامبر حبیب خدا «ص» آب می‌ریختم، فرمود: ای انس! تو را سه خصلت تعلیم کنم تا از آن نفع‌گیری؟ گفتم: بلی یا رسول‌الله! فرمود: هرکه را از امت من می‌بینی بر او سلام کن تا عمرت دراز شود و چون در خانه خود درآبی سلام کن بر اهل خانه‌ات تا خانه‌ات بسیار شود و نماز شب بخوان که آن شعار اخیار و ابرار (نیکان) است. (هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۸۲)

خواص دیگری از سلام:

- ۱) سلام نوعی عبادت است و موجب آمرزش و مغفرت است. (مجلسی، بحار الانوار ج ۷۳، ص ۱۱)
- ۲) سلام کاری است کوچک با نتیجه‌ای بزرگ و ثوابی زیاد. (کاشانی، منهج الصادقین، ج ۶، ص ۳۴۷)
- ۳) سلام اطمینان از عذاب جهنم و دعای است برای سلامت خانواده.
- ۴) سلام تکبر و خودخواهی را از بین می‌برد و رهائی بخش از کینه‌ها است. (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۱۱۰۲)
- ۵) سلام موجب عصبانیت و ناراحت شیطان رجیم میشود. (همان ص ۱۱۰۶)
- ۶) سلام با دست دادن و تبسم موجب از بین رفتن گناهان (مانند ریزش برگ درختان در پاییز میشود)
- ۷) سلام وادار کردن دیگران و خود به تواضع و خضوع است. (پاینده، نهج الفصاحه ص ۴۱۴)
- ۸) سلام علیکم دعائی است برای شنونده. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۷۲)
- ۹) سلام نشانه کرم و سخاوت و تحیت خدای سبحان به شیعیان است. (ارگانی، سلام در اسلام، ج ۱، ص ۳۸۰)

۴. احکام سلام

برای سلام و پاسخ به آن، احکامی بیان شده است:

۱-۴. سلام کردن

پیشی گرفتن در سلام به مسلمانان، مستحب مؤکد و ترک آن مکروه است، مگر نمازگزار که برای او جایز در سلام کردن پیشی بگیرد. (طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۳، ص ۱۵) همچنین مستحب است انسان وقتی وارد خانه‌ای می‌شود که کسی در آن نیست، بر خود این‌گونه سلام کند: «السَّلَامُ عَلَیْنَا مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا». (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۸۰۸) همچنین سلام کردن به حاضران در مجلس، هنگام برخاستن از آن و

خدا حافظی از آنان مستحب است؛ اما در مستحب یا واجب بودن پاسخ به آن اختلاف نظر است. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۷۶)

سلام کردن زن به مرد نامحرم و عکس آن جایز است، مگر در صورتی که ترس از گناه در میان باشد. (طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۳، ص ۲۵) البته برخی به کراهت سلام کردن مرد بر زن جوان نامحرم تصریح کرده‌اند.

پاسخ سلام:

سلام کردن مستحب است؛ ولی پاسخ آن حتی بر نمازگزار واجب است. (حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۹۷۳) پاسخ سلام واجب فوری است؛ (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۱۱) یعنی باید در پاسخ دادن شتاب کند. (بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۹، ص ۸۱)

و جوب جواب سلام به صورت کفایی است و با پاسخ دادن فردی از میان جمع، از دیگران ساقط می‌شود. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۰۶) بنابر قول مشهور، پاسخ سلام باید به گونه‌ای باشد که سلام کننده آن را بشنود؛ اما برخی در وجوب آن تردید کرده‌اند؛ بلکه بعضی در حال نماز، پاسخ آهسته را نیز جایز دانسته‌اند.

پاسخ سلام با واسطه، واجب نیست؛ هر چند مستحب است پاسخ‌دهنده خطاب به واسطه بگوید: «علیک و علیه السلام: بر تو و بر او سلام». پاسخ به سلام کتبی (نامه) نیز واجب نیست، بلکه مستحب است. فقها پاسخ به سلام در فضای مجازی و نامه را واجب نمی‌دانند.

۲-۴. سلام گفتن در نماز

اول سلام گفتن برای نمازگزار جایز نیست؛ ولی پاسخ به سلام بر او واجب است. (حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۹۷۳) بنابر قول مشهور، در پاسخ سلام در حال نماز باید جواب مثل خود سلام باشد؛ این گونه که اگر کسی گفت «سلام علیکم»، بر نمازگزار واجب است در پاسخ او «سلام علیکم» بگوید و پاسخ دادن به عبارت‌های دیگر، مثل «علیکم السلام»، جایز نیست. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۰۱)

۳-۴. سلام به کافر

به تصریح برخی، سلام کردن به کافر جز هنگام ضرورت جایز نیست. (بحرانی، الحقائق الناضرة، ج ۹، ص ۸۴-۸۵) در اینکه پاسخ سلام کافر واجب است یا نه اختلاف نظر وجود دارد. بنابر قول مشهور، در جواب سلام کافر «علیک» گفته می‌شود ولی در جواز بیان کلمه «سلام» در جواب او اختلاف است. (حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۹۷۳)

اما بعد از تبیین علت این حکم، علامه طباطبایی به بیان استثنائات حکم پرداخته و می‌فرماید:

چه بسا می‌شود که مصلحت اقتضاء کند انسان به ستمکاران تقرب بجوید برای اینکه دین خدا را تبلیغ کند، بطوری که اگر با آنها نسازد نمی‌گذارند تبلیغ دین در بین مردم صورت بگیرد و یا برای اینکه کلمه حق را به گوش آنها برساند، و این تقرب حاصل نمی‌شود مگر با سلام دادن به آنها، تا کاملاً با ما مانوس شوند و دلهاشان با دل ما ممزوج گردد، به همین خاطر که گاهی مصلحت چنین اقتضا می‌کند رسول خدا (ص) نیز به این روش مامور شدند، در آیه: «فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ» پس (اکنون که چنین است) از آنان روی برگردان و بگو: سلام بر شما، (زخرف/ ۸۹) هم چنان که در وصف مؤمنین فرمود: «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند) (طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۵۲)

۵. کارکرد سلام در تعاملات اجتماعی

۱-۵. سلام، آغازگر هر ارتباط

سلام اسم خداوند است و هر کاری که با نام خالق شروع شود قطعاً کیفیت و امتیاز خاصی خواهد داشت. در قرآن کریم آمده «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ...» (انعام/ ۵۴)؛ و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند،

نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود واجب کرده است. و «... فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ...» (نور/ ۶۱)؛ وقتی به خانه های یکدیگر وارد شدید، به یکدیگر سلام کنید؛ سلامی که نزد خدا مبارك و پاک است.

این تأکید خداوند بر آغاز با سلام چنان گویا و روشن است که هر روش دیگر را که تا زمان رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رایج بود طرد می کند و می فرماید: «... وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوكَ بِمَا لَمْ يَحْيِكَ بِهِ اللَّهُ...» (مجادله/ ۸)؛ و هرگاه به نزد تو آیند، تو را بدانچه خدا به آن شیوه تحیت نگفته، تحیت می دهند. شخص مومن شیوه الهی و دستور خدا را بر هر چیزی مقدم می دارد و در مقابل، انسان منافق روش خویش را دنبال می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «الْمُؤْمِنُ يُبْدَأُ بِالسَّلَامِ وَالْمُنَافِقُ يَقُولُ: حَتَّى يَبْدَأَ بِي» (متقی هندی، کنز العمال، ح ۷۷۸)؛ مؤمن در ابتدا سلام می کند و منافق منتظر سلام دیگران است.

با توجه به آیات بیان شده و حکم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام مستحب است روابط با سلام آغاز شود. سلام کردن، هفتاد حسنه دارد که شصت ونه تا برای سلام کننده و یکی برای پاسخ دهنده آن است. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱) زیرا شخص سلام کننده با رد تکبر خویش به استقبال معاشرتی فروتنانه شتافته است. امام صادق علیه السلام فرمود: آغازکننده به سلام به خدا و رسولش نزدیکتر است. (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۴۵)

نیز امام سجاد علیه السلام از صفات اهل ایمان آن است که با سلام به استقبال خانواده اش می شتابد. همچنین امام علی علیه السلام فرموده: شایسته نیست که شخص اول بگوید: «حیاک الله» (یعنی خدایت زنده بدارد) سپس خاموش شود و دنبالش سلام کند. (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۴۶) سلام دادن در آغاز دیدار چنان اهمیت دارد که فرمودند هیچ شخصی را به غذا دعوت نکنید مگر با شروع با سلام. (طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۹۹)



همچنین امام علی علیه السلام در نامه ۲۵ نهج البلاغه به کارگزار خود می‌فرماید وقتی در میان مردم قرار گرفتی با سلام و تحیت فراوان با آنان برخورد کن.

۲-۵. اطمینان دادن

سلام کردن و برخورد خوب یکی از عوامل مهم در برقراری روابط اجتماعی سالم است که مورد تأکید دین مقدس اسلام قرار گرفته است، این کلمه (سلام) که در آن معنا و مفهوم سلامتی و ایمنی نهفته، به مخاطب اطمینان می‌دهد که طرف مقابل قصد صحتی برای آغاز رابطه را با او در نظر گرفته است. در این صورت مخاطب نیز این پیام را دریافت نموده و در صورت تمایل دوطرف، رابطه اجتماعی جدید و کوچکی تشکیل می‌شود.

۳-۵. ایجاد زمینه همکاری

سلام، روح تعاون و همکاری و همدلی را بین مسلمانان افزایش می‌دهد. انسان با سلام کردن در واقع اظهار همدردی و همدلی خود را نیز اظهار می‌دارد و حداقل سلام بیانگر این مطلب است که من مانند شما مسلمان هستم، و حاضرم با تو نشست و برخاست داشته باشم و با تو همکاری نمایم، این کارکرد را انسان‌ها وقتی در عالم غربت قرار بگیرند بیشتر احساس می‌کنند.

نشانه مسلمان بودن: سلام همچون شعار و علامتی جهت شناخت جوامع اسلامی از دیگر جوامع می‌باشد. که وقتی انسان این کلمه مقدس را می‌شنود و یا به کسی می‌گوید در واقع مسلمان بودن‌شان نیز احراز می‌گردد. در حدیث نبوی آمده است:

السلام تحية لِمِلَّتِنَا و امانی لِدِمَّتِنَا؛ (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۵) سلام و درود ملت و حافظ ذمه ما است.

۴-۵. ایجاد زمینه دوستی و فروتنی

یکی دیگر از پی‌آمدهای حسنه سلام، ایجاد دوستی و محبت بین مسلمانان است. پیامبر اسلام (ص) فرمود: به هم‌دیگر سلام کنید، تا رشته دوستی بین شما آشکار گردد (همان، ح ۲۸۱)، در این روایت به صراحت بیان شده که سلام کردن موجب استحکام روابط و صمیمیت می‌شود.

۵-۵. نزدیکی به خویشاوندان

در روایتی از پیامبر مکرم اسلام «ص» آمده است که فرمود: با خویشاوندان نزدیکی جوئید، اگرچه به وسیله سلام باشد: (صلوا ارحامکم ولو بالسّلام) (همان، ح ۱۰۹۴) یکی دیگر از برکات و پی آمدهای سلام تواضع و فروتنی است که موجب استحکام روابط حسنه و دوری از صفت رذیله کبر می شود و براساس روایت نبی اکرم «ص»، آغازگر سلام از تکبر بری و برکنار است. (البادی بالسّلام برئ من الکبر) (همان، ح ۱۱۰۲)

۵-۶. ایجاد زمینه مهرورزی

اسلام تأکید زیادی بر حب و بغض دارد و دوستی مؤمنان و کینه با دشمنان اسلام از صفات بارز مؤمنان شمرده شده است. خداوند سبحان می فرماید: محمد «ص» فرستاده خدا است و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوی دل و سخت گیرند و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح / ۲۹)

نزول رحمت و برکت: پیامبر عزیز اسلام (ص) به ما دستور همراه با تاکید می دهد که هنگام ملاقات با دیگران قبل از هر قول و فعلی، سلام آغازگر همه چیز باشید سلام باعث مغفرت گناهان میشود، سلام باعث نزول رحمت و برکت در خانه میشود و انس و مهرورزی ملائکه ها به اهل خانه میشود چنانچه در روایتی از نبی مکرم (ص) آمده که فرمود: [اذا دخل احدکم بینه فلیسلّم، فانه ینزله البرکه، و تؤنسه الملائکه] (ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۳۴۹)

دین مقدس اسلام پیرامون ایجاد مهرورزی و گسترش آن بین مؤمنان دستور و روش های زیادی دارد؛ برای مثال، احترام به همسایه و حقوق شان، و صله رحم، سلام کردن به همدیگر، دیدار همدیگر و ... از آن دسته اند سبب ازدیاد پیوند و گسترش مهر در جامعه اسلامی می شوند.

در زمان پیامبر «ص» مسلمانان به هم دیگر سلام کردند، اما سلام کردن به کودکان مرسوم نبود یا کمتر اتفاق می افتاد؛ آن حضرت پیوسته به کودکان سلام می کرد و می فرمود: هرگز از

سلام به کودکان تا هنگام مرگ دست بر نمی دارم تا این که بعد از من سنت گردد. (طباطبائی، سنن النبی، ص ۴۲)

متأسفانه امروز به دلیل زندگی آپارتمان نشینی و ماشینی نه تنها به کودکان سلام نمی کنند، بلکه در میان افراد بزرگسال نیز روابط بسیار بی روح شده و سنت زیبا و حسنه سلام از میان مردم رخت بر بسته است که دلیل آن را تا حدودی می توان در روابط جدید اجتماعی، رونق شهرنشینی و تراکم جمعیت و .. جست.

۶. موارد نهی از سلام

واژه سلام که پیام آور خیر و نیکی برای اهل مراوده و ارتباط است در برخی موارد مورد نهی قرار گرفته است. اسلام دین منطقی و عقلانی است و هر جا که مصالح فردی و اجتماعی مورد نظر باشد عقل همگام با شرع، حکم متناسب با آن شرایط را امر می کند. از جمله این امور بررسی عواطف انسانی است که در پرتو این عواطف مصالح شخص و جامعه مورد آسیب قرار نگیرد. یکی از حساس ترین روابط انسانی، ارتباط میان زن و مرد است. اگرچه شخصیت زن در انسانیت با مرد برابر است اما تفاوت روحی و جسمی آنها موجب صدور احکام مخصوصی شده که رشد و تکامل هر دو را تضمین نماید و هر گونه موانع به عنوان حکم زیان مند، در قالب مکروه یا حرام خوانده شده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به زنها سلام می داد و آنها نیز به حضرت پاسخ می دادند. (کافی، ج ۲ ص ۶۴۸) اما در مورد زنان جوان حضرت علی علیه السلام احتیاط عقل را مقدم خوانده و فرموده: می ترسم صدایش مرا خوش آید، و زیاده تر از آن اجری که می جویم گناه به من رسد. (همان) لذا سلام نکردن به نامحرم جوان را سفارش نموده است. اسلام آداب سلام دادن زن و مرد به یکدیگر را چنین بیان نموده: «الْمَرْأَةُ تَقُولُ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ الرَّجُلُ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۶)؛ زن می گوید: علیکم السلام و مرد می گوید: السلام علیکم. سلام کردن به افرادی که برای پاسخ دادن دچار مشکل می شوند، نهی شده. مانند شخصی که در حال رفع حاجت است. (بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۹) و موارد دیگری که هر فرد می تواند شرایط مخاطب خود را تشخیص دهد.

سلام دادن به افرادی که به خاطر انجام کارهای ناشایست و نامشروع، لیاقت دوستی و سلام برادران دینی خود را از دست دادند. (همان) مانند: ربا خوار، شراب خوار و کسانی که در شوخی های خود به مادران فحاشی می کنند و شاعری که به زنان عقیف تهمت می زند. (خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۳۸). یکی دیگر از موارد نهی از سلام در مورد کافر و اهل کتاب است و اینکه اگر ایشان سلام نمودند به چیزی کم تر پاسخ ایشان داده شود. چنانکه فرمودند به «علیک» قناعت شود. در حالیکه اگر مسلمانی سلام نمود به چیزی بیشتر یعنی سلام علیک پاسخ داده شود. به نظر می رسد سلام که اسم مبارک خداوند است برای کسانی بکار رفته شود که مورد باور آنهاست و درخواست امنیت و خیر و هر افزایشی صرفاً برای اهل ایمان معقول و سزاوار است نه غیر ایشان. و قناعت به لفظ «علیک» یا سلام نیز بخاطر این است که مسلمان و اهل ایمان، دشمن شرّ و بدی است و بدی را ترویج نمی دهد حتی برای کافر. به حضرت صادق علیه السلام عرض شد: در حق یهودی و نصرانی چگونه دعا کنیم؟ فرمود: به او بگوئید: خدا به دنیای تو برکت بدهد. (کافی، ج ۲ ص ۶۵۰) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز که در ماجرای وارد خانه ای شد که جز شخص کافر در آنجا نبود فرمود: «... وَالسَّلَامُ عَلَی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى» (طه/۴۷)؛ سلام بر کسی که تابع حق و هدایت باشد. (کافی، ج ۲ ص ۶۴۹)

حاصل بحث آداب سلام بر طبق آیات و روایات بیانگر آن است که مسلمانان با استفاده از کلمه مقدس سلام که از اسامی خداوند می باشد خواستار خیر و صلاح و بلکه رحمت بی پایان الهی برای برادران دینی خود می باشند و در پرتو این قرارداد و پیمان الهی که در ابتدای معاشرت خود با یکدیگر عهد نمودند از هر لحاظ خود را آماده یاریگری و دستگیری از ایشان نشان می دهند و در عمل نیز بایستی چنین پیمان الهی را محقق سازند تا به معنای واقعی، حقیقت سلام به ظهور رسد. به این ترتیب تبادل سلام در زندگی روزمره اشخاص به نوعی عهد و پیمان میان آنهاست که عدم توجه به آن و عمل نکردن بر طبق آن، زمینه از هم پاشیدن روابط خوب و انسانی را باعث می شود.

نتیجه

تحقیق حاضر با رویکردی توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع معتبر لغوی، تفسیری، فقهی و حدیثی، مفهوم، جایگاه، احکام و کارکردهای اجتماعی «سلام» را به عنوان تحیت اسلامی بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که «سلام» افزون بر معنای لغوی سلامتی، امنیت و صلح، در فرهنگ قرآن و عترت، مفهومی عمیق‌تر دارد: نماد عهد و پیمان میان مسلمانان برای حفظ جان، مال و آبروی یکدیگر و نیز تحیتی پربرکت و پاکیزه از جانب خداوند است.

از منظر قرآن کریم در آیات متعدد (مانند نساء/۸۶، انعام/۵۴، نور/۶۱، یونس/۱۰، فرقان/۶۳ و احزاب/۴۴) سلام را نه تنها تحیت مؤمنان در دنیا، بلکه هدیه و شعار اهل بهشت معرفی کرده است. در روایات، اهل بیت علیهم السلام سلام را از سنت‌های مؤکد رسول خدا (ص) شمرده و بر پیشی گرفتن در سلام، پاسخ بهتر، افشای سلام و حتی سلام به کودکان و بردگان تأکید کرده‌اند.

از حیث فقهی، سلام کردن مستحب مؤکد و پاسخ به آن واجب فوری کفایی است، مگر در موارد استثنایی مانند نمازگزار یا کسی که در حال رفع حاجت است. درباره سلام به زنان نامحرم جوان، فقها احتیاط را مقدم داشته‌اند و در برخورد با کافر و اهل کتاب، پاسخ به «علیک» یا مشابه آن محدود می‌شود.

برجسته‌ترین دستاورد این تحقیق، تبیین کارکردهای چندگانه اجتماعی سلام است:

(۱) ایجاد امنیت روانی و اطمینان بخشی به مخاطب؛ (۲) زمینه‌سازی برای همکاری، دوستی و فروتنی؛ (۳) تقویت مهرورزی و صله رحم؛ (۴) نشانه و شعار هویتی جامعه اسلامی؛ (۵) کاهش تکبر و کینه‌زدایی؛ و (۶) موجب نزول رحمت و برکت در خانه و افزایش محبت. روایات مؤکداً اعلام کرده‌اند که آغازگر سلام از تکبر بری است و سلام کردن، محبت را محکم می‌کند و حتی به درازای عمر کمک می‌نماید.

با این حال، تحقیق نشان می‌دهد که در جوامع اسلامی معاصر، به‌ویژه به دلیل آپارتمان‌نشینی، تراکم جمعیت و روابط ماشینی، سنت زیبای سلام رو به فراموشی رفته و

حتی سلام به کودکان که سنت پیامبر(ص) بود، متروک شده است. بنابراین، احیای این سنت الهی نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه یک ضرورت اجتماعی برای تحکیم پیوندهای انسانی، کاهش خشونت و افزایش سرمایه اجتماعی در جوامع اسلامی به شمار می‌رود. سلام، فراتر از یک عبارت ساده، الگویی کارآمد برای ارتباطات سالم، مبتنی بر امنیت، محبت و تواضع است که می‌تواند در عصر ارتباطات نیز پاسخگوی بسیاری از آسیب‌های تعاملات انسانی باشد.

فهرست منابع

قرآن مجید

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۲. ارگانی حائری، محمود، سلام در اسلام، قم: دار الموده، ۱۳۷۴ش.
۳. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدایق الناضره فی احکام العتره الطاهره، موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۰۵ ۱۴۱۶ق.
۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: المجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۱۶ق.
۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات قم، ۱۳۶۶ش.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۸. حسینی عاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، مؤسسه آل البيت للطباعه و النشر، بی تا.
۹. حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، بیروت: دارالتراث، ۱۴۱۸ق.
۱۰. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۱. ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، قم: دارالحديث، ۱۴۱۶ق.
۱۲. شیخ صدوق، ابن بابویه محمد بن علی، التوحید، قم: جامعه مدرسين، ۱۳۸۹ق.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، سنن النبی، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۹ش.

۱۴. طباطبائی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۲۰ق.
۱۵. طبرسی، ابوعلی الفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۱۶. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، قم: دار الثقلین، ۱۳۷۹ش.
۱۷. عبدالاعلی، موسوی سبزواری، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، موسسه المنار، ۱۴۱۷ق.
۱۸. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقہیة، قاهره: دارالفضیله، ۱۴۱۹ق.
۱۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۹ق.
۲۰. فاضل مقداد، جمال الدین بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۹ش.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: موسسه دار الكتاب للطباعة و النشر، ۱۴۰۴ق.
۲۳. کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: انتشارات اسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۸ش.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، محقق علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۵. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، بیروت. ۱۴۲۱ق.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، موسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۲۷. مشهدی قمی ، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۲۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه و المکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۹ش.
۲۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، بیروت: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
۳۰. هیشمی ، علی بن ابوبکر ، مجمع الزوائد و منبع الفوائد ، بیروت: دار الکتب العربی ، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۲ق.

